

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۰

بررسی کاربرد شناسی جملات پرسشی در غزلیات فخرالدین عراقی

(ص ۲۴۷ - ۲۲۷)

مریم علی‌نژاد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

#### چکیده

متداولترین مقوله‌های دستوری مورد استفاده در زبانهای دنیا عبارتند از: جمله‌های خبری، پرسشی، امری و تعجبی که بترتیب برای دادن خبر، طلب خبر، صدور فرمان و بیان شگفتی بکار میروند اما مطالعات زبانشناسی حاکی از آن است که در استفاده از زبان همیشه مقوله‌های دستوری و مقوله‌های معنایی - منظوری جمله‌ها بر هم منطبق نیستند؛ عبارتی دیگر، لزوماً اینگونه نیست که هر یک از این جملات برای منظور در نظر گرفته شده برای آنها بکار روند بلکه گاهی ممکن است هر یک از آنها با توجه به بافتی که در آن قرار میگیرند بر معانی و منظوره‌های دیگری نیز دلالت داشته باشند. اگرچه بلاغیون نقشهای معنایی - منظوری متعددی برای جمله‌های پرسشی برشمرده‌اند، نویسنده این مقاله بمنظور کشف نقشهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات عراقی، حدود ۴۸۷ بیت و مصراع دارای ساختار پرسشی را در ۲۲۰ غزل عراقی، مورد بررسی قرار داده است. نتیجه اینکه عراقی از ۲۸ کارکرد معنایی - منظوری جملات پرسشی، ۲۰ مورد از آن را بکار برده است و بر اساس تحلیلهای آماری، پربسامدترین کارکردهای ثانوی بترتیب عبارتند از: «استفهام انکاری»، «تمنی و آرزو»، «عجز و ناتوانی»، «نهی» و «نفی» که این کارکردها با بافت و ساختار اشعار تغزلی هماهنگ و منطبق است.

**کلمات کلیدی:** جمله‌های پرسشی، نقشهای معنایی - منظوری، غزلیات عراقی.

---

<sup>۱</sup> - استادیار بنیاد دانشنامه نگاری ایران، (alinezhadmar@gmail.com)

## ۱- مقدمه

در زبانهای دنیا مقوله‌های دستوری متنوعی وجود دارند که هر کدام نقشهای معنایی - منظوری گوناگونی برعهده دارند از این میان چهار جمله خبری، پرسشی، امری و عاطفی پر کاربردترین آنهاست که در بیشتر زبان‌ها دیده میشود اگرچه این جمله‌ها بعنوان مقوله دستوری برای بیان معانی خاصی بکار گرفته میشوند اما نتایج حاصل از مطالعات زبانی نشان میدهند که چه بسیار اتفاق می‌افتد که صورت دستوری هر یک از این جمله‌ها با نقش معنایی - منظوری آنها مطابقت ندارد. این مباحث در شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی به نام (pragmatics) بررسی میشود که در زبان فارسی به «منظورشناسی» یا «کاربردشناسی» ترجمه شده است.

یکی از مقوله‌های دستوری، جمله پرسشی است که اغلب، هدف از بکارگیری آنها کسب خبر از امر نامعلوم است و معمولاً پاسخ مشخصی نیز دارند. اما گاهی در برخی از جمله‌های پرسشی که اغلب در ادبیات رواج دارند و «سوال بلاغی» نامیده میشوند، کسب خبر مطرح نیست، بلکه گوینده یا نویسنده بنا به دلایلی آن را برای بیان غیر مستقیم مقاصد خود بکار میگیرد تا بدین ترتیب، کلام خود را زیباتر و تاثیرگذارتر به مخاطب عرضه کند.

اگرچه پژوهشهایی در زمینه نقشهای معنایی - منظوری بر روی آثاری چون غزلیات حافظ (نقشهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ: رحیمیان، شگری احمدآبادی)، غزلیات شمس (بررسی نقشهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس: پارسا، مهدوی)، بوستان سعدی (منظورشناسی جملات پرسشی بوستان سعدی: حمیدرضا اکبری)، شاهنامه (نقشهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در شاهنامه: هوشنگ مددی)، اشعار اخوان ثالث (نقشهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در اشعار مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد: بتولی آرانی) و غزلیات سعدی (منظورشناسی جمله‌های پرسشی در غزلیات سعدی: علی‌اکبر باقری خلیلی و مریم محمودی نوسر) انجام شده است اما تاکنون غزلیات فخرالدین عراقی از منظر نقشهای معنایی - منظوری مورد بررسی قرار نگرفته است.

از این روی در پژوهش حاضر ما بمنظور تجزیه و تحلیل جنبه‌های متعدد معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات عراقی، پس از گزینش ابیات و مصراعهای دارای ساختار پرسشی از میان غزلیات عراقی، آنها را بر اساس کارکردهای معنایی - منظوری طبقه بندی نموده و کوشیده‌ایم به پرسشهای زیر پاسخ دهیم:

- کارکردهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات عراقی چیست؟  
- کدام کارکرد معنایی - منظوری بیشترین بسامد را در غزلیات عراقی دارد؟  
- بسامد بالای مقوله معنایی - منظوری خاص در غزلیات شاعر بیانگر چیست؟ و چه ارتباطی با بافت تغزلی اشعار دارد؟

- نقش عناصر بلاغی در تبیین کارکردهای معنایی - منظوری چیست؟

## ۲- کاربردشناسی و رابطه آن با علم معانی

کاربردشناسی (pragmatics) شاخه‌ای از علم زبانشناسی است که تاکنون تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است.

ریچارد کاربردشناسی را مطالعه کاربرد زبان در محاوره بویژه رابطه بین جملات و بافت و موقعیتی که در آن بکار میروند میدانند که این مطالعه موارد پیش رو را شامل میشود: تعبیر و کاربرد کلام چه نوع وابستگی به دانش ما از دنیای واقعی دارد؟ گویشوران کنشهای گفتاری را چگونه بکار میبرند و میفهمند؟ رابطه میان گوینده و شنونده چه تاثیری بر ساختار جملات دارد؟ (واژه‌نامه آموزش زبان و زبانشناسی کاربردی، ریچاردز، ۲۸۴)

جورج یول، معتقد است: «کاربردشناسی مطالعه معنی است؛ معنایی که گوینده یا نویسنده آن را منتقل میکند و شنونده یا خواننده آن را درمی‌یابد. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل افراد از گفته‌هایشان سر و کار دارد تا معنی خود کلمات یا عباراتی که بکار میبرند. (کاربردشناسی زبان، یول، ۱)

لیچ، منظورشناسی را به دو بخش منظورشناسی - جامعه شناسی و منظورشناسی - زبانشناختی تقسیم میکند. که در این پژوهش، شاخه زبانشناختی آن مورد نظر است. در منظورشناسی - زبانشناختی بر سر این موضوع بحث میشود که یک جمله میتواند در بسترها و بافتهای مختلف، نقشهای متفاوتی داشته باشد که نقشهای معنایی - منظوری نامیده میشود که معمولاً یکی از این نقشها و معانی، اولیه هستند و معانی دیگر ثانویه محسوب میشوند. این بخش از منظورشناسی تا حدود زیادی با علم معانی قابل انطباق است؛ چرا که موضوع علم معانی نیز توجه به معانی ثانویه‌ای است که متکلم بلیغ به مقتضای حال مخاطب از آن بهره میگیرد تا بیشترین تاثیر را بر او داشته باشد. (اصول کاربردشناسی، لیچ، ۹۸)

از نظر کزازی، در دانش معانی، دگرگونی‌هایی را که به مقتضای حال پدید می‌آید بررسی میکنیم. سخن زمانی روشن و رساست که بسته به حالهای گونه‌گون، دگرگونی بپذیرد. (زیبایی‌شناسی سخن پارسی، کزازی، ۲۶)

### ۳- روش انجام پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است. منبع مورد نظر «کلیات فخرالدین عراقی» به تصحیح و توضیح نسرین محتشم بوده است. در پژوهش حاضر کارکردهای بیست و هشت‌گانه شمیسا در کتاب معانی (۱۱۱-۱۱۹) بعنوان الگو در نظر گرفته شده است. از میان غزلیات عراقی حدود ۲۲۰ غزل برگزیده شده و از میان آنها ۴۸۷ جمله پرسشی (در قالب بیت یا مصرع) استخراج شده است. نکته قابل ذکر آنکه در این بررسی، برخی از ابیات از دو جمله پرسشی (هر مصرع یک پرسش) تشکیل شده بودند که ما نیز در شمارش آنها را دو جمله در نظر گرفته‌ایم.

### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

عراقی در غزلیاتش به فراوانی از پرسش‌های بلاغی دارای کارکردهای معنایی - منظوری بهره برده است. مهمترین این کارکردها عبارتند از:

#### ۴-۱- استفهام انکاری

کارکرد این جملات بگونه‌ای است که مقصود گوینده از بکاربردن آنها کشف مجهول و کسب خبر نیست؛ بلکه او بر آن است تا با طرح پرسش، محتوای مطرح‌شده در پرسش را بصورت موکد نفی کند. در این حالت فعل جمله پرسشی، مثبت و پاسخ موردنظر منفی و همراه با تاکید است. از مجموع ۴۸۷ جمله پرسشی یافت‌شده در غزلیات عراقی، ۱۱۷ جمله (۲۴/۰۲٪) برای انکار مطلبی خاص بکار رفته که در میان کارکردهای دیگر، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است:

جز صبا کیست کزین خسته برد پیغامی؟  
جز نسیم از در آن دوست که آرد خبری؟  
(ص ۲۱۷، ب ۲۵۵۷)

شاعر در این بیت، با بکارگیری مفهوم «حصر و قصر» به همراه ساختار جمله پرسشی، پیغام‌رسانی به معشوق و خبرآوری از کوی دوست را به (صبا) و (نسیم) منحصر نموده و بر این نکته تاکید کرده است که هیچ‌کس غیر از صبا نمی‌تواند پیغام او را به معشوق برساند و هیچ‌کس غیر از نسیم نیز نمی‌تواند خبری از معشوق برای او به ارمغان آورد.

دایهٔ مه‌رت به شیر لطف پروردست دل  
شیرخواره چون زید کش بازگیرد دایه شیر؟  
(ص ۱۶۳، ب ۱۷۷۸)

در این بیت، شاعر با بکارگیری تصویری تمثیلی در ساختار جمله پرسشی، خودش را به شیرخواره‌ای تشبیه کرده که معشوق چون دایه‌ای او را با شیر لطف و محبت خود پرورانده است و حال که این لطف از او دریغ شده، امکان زندگی برای او وجود ندارد او با بکارگیری این شگرد بلاغی، علاوه بر شکوه از بی‌مهتری معشوق، بر غیرممکن بودن زندگی پس از محرومیت از مهر و لطف معشوق نیز تاکید میکند و بدین ترتیب مخاطب را در این انکار با خود همراه میسازد.

#### ۴-۲- تمنی و آرزو (بیان اشتیاق)

در غزلیات عراقی ۹۹ جمله پرسشی در قالب مصراع یا بیت یافت شده است که بگونه‌ای القاکننده اشتیاق و آرزوی شاعر برای دیدار با معشوق یا وصال او یا دریافت خبر و پیغامی از اوست. این جملات حدود ۲۰/۳۲٪ از حجم کل پرسش‌های مطرح شده در غزلیات این شاعر را شامل میشود که پس از مقوله استفهام انکاری، پرسامدترین مقوله بشمار میرود. برخی از نمونه‌های آن عبارتند از:

چو شکست توبه من مشکن تو عهد، باری ز من شکسته بررس که: چگونه‌ای؟ کجایی؟ (ص ۱۰۹، ب ۱۰۳۹)

عراقی در این بیت، با گرد آوردن مجموعه‌ای از عناصر چون (شکستن توبه، نشکستن عهد و پیمان) و صفت (شکسته) که از یک سو، تداعی‌کننده شکست در رابطه با معشوق است و از سویی دیگر، یادآور توبه‌ای است که شکسته، در حقیقت اشتیاق و شاید استحقاق خود را برای دریافت توجه از سوی معشوق، نشان میدهد اگرچه این توجه در حد پرسش از حال و روزگار او باشد.

هیچ بینم باز در حلق عراقی ناگهان جذبه‌های دلربایت ریسمان انداخته؟ (ص ۱۳۸، ب ۱۴۲۲)

شاعر در این بیت، برای بیان اشتیاق خود نسبت به معشوق از تصویر تشبیهی سودجسته و جذبه‌های معشوق را همچون ریسمانی تصویر کرده است که وی در آرزوی حلق‌آویز شدن از آن است؛ بعبارتی دیگر، اشتیاق شاعر به درجه‌ای است که حتی از جانش هم برای معشوق دریغ نمیدارد.

در برخی از ابیات، بیان کثرت با ابراز اشتیاق، همراه میشود؛ چرا که معمولا در غزلهای عاشقانه، این دو مفهوم بنوعی در هم تنیده هستند. بدین ترتیب که شاعر ابتدا از کثرت غم

و اندوه ناشی از فراق و یا طولانی شدن زمان انتظار، شکوه کرده سپس از اشتیاق خود برای رسیدن به معشوق حکایت میکند:

کی برون آیی ز پرده آشکار؟      چند روی خوب را پنهران کنی؟  
(ص ۱۷۷، ب ۱۹۶۱)

عراقی در بیت بالا با بکار بردن واژگان پرسشی (کی؟) و (چند؟)، افزون بر اینکه طولانی شدن روپوشاندن معشوق را یادآور شده، بر اشتیاق خود برای دیدن او نیز تاکید نموده است.

#### ۴-۳- بیان عجز و ناتوانی

در این کارکرد معنایی - منظوری، گوینده با بهره‌گیری از ساختار پرسشی، ناتوانی و درماندگی خویش یا شخص دیگر را از انجام کاری و یا گفتن سخنی بیان میکند. در بررسی غزلیات عراقی ۴۶ بیت و مصراع (۹/۴۴) با ساختار پرسشی یافت شد که بر عجز و ناتوانی دلالت دارد. نکته قابل توجه آنکه بیشتر جمله‌هایی که دارای این کارکرد هستند نوعی معنای یاس و ناامیدی را که حاصل عجز و ناتوانی است، در خود نهفته دارند. در غزلیات این شاعر غزلهایی با ردیف «چه کنم؟» و «چتوان کرد؟» «با که گویم؟» وجود دارد که همه ابیات آنها دارای کارکرد معنایی - منظوری موردنظر هستند:

با من دلشده گر یار نسازد چه کنم؟      دل غمگین مرا گر نوازد چه کنم؟  
بر من آنست که با اندوه او می‌سازم      وصلش ار با من بیچاره نسازد چه کنم؟  
(ص ۱۲۱، ب ۱۱۹۷، ۹۸)

که شاعر در سراسر این غزل علی‌رغم آنکه خود را مجبور به تحمل غم عشق میداند، اما نگران آن است که مورد بی‌مهری معشوق قرار بگیرد و آنگاه از تحمل آن عاجز و ناتوان شود.

چو خدنگ غمزه او دل و جان و سینه خون کرد      پس ازین دگر چه سازم سپر خدنگ او من؟  
چو نهنگ بحر عشقش دو جهان به دم فروبرد      به چه حيله جان برآرم ز دم نهنگ او من؟  
(ص ۱۳۸، ب ۱۴۲۵-۲۶)

شاعر در بیت نخست، با ارائه تصویری تشبیهی، «غمزه» معشوق را به «خدنگی» تشبیه کرده که دل و جان عاشق را هدف قرار داده است؛ اما حال که دل و جان او را در این راه از دست داده، خود را از یافتن سپری دیگر عاجز و ناتوان یافته است. و در بیت دیگر، عجز و ناتوانی خود را در مقابل غمزه معشوق، در قالب تصویر استعاری نهنگ (استعاره از غمزه معشوق)

نشان داده است که همه جهان را بکام خود فروبرده است و در این حال او چگونه میتواند در این شرایط، دل خود را از غمزه او در امان نگه دارد. در حقیقت شاعر با ارائه شبکه‌های درهم تنیده‌ای از تصاویر تشبیهی و استعاری، زمینه را برای پذیرش عجز و ناتوانی خود در نظر مخاطب فراهم نموده، او را با خود همراه میسازد.

گاهی این کاربرد، با مقوله‌های معنایی - منظوری دیگر نیز همراه شده است:  
- کثرت:

چند نالم ز عراقی؟ چه کند بیچاره؟  
که درین واقعه بد ز قضا افتادم  
(ص ۲۰۲، ب ۲۳۳۳)

که شاعر ضمن شکوه و اظهار ملالت از کثرت ناله‌های خود، عجز و ناتوانی خود را نیز بیان میکند.

- آرزو و اشتیاق:

بنمای به من رویت، یارات نمی افتد؟  
آری چه توان کردن؟ با مات نمی افتد  
(ص ۱۸۱، ب ۲۰۱۷)

در این بیت شاعر در عین حال که اشتیاق خود را برای دیدن روی معشوق بیان میکند، در مقابل بی‌توجهی او اظهار عجز کرده، چاره‌ای جز تحمل نمی‌یابد.

#### ۴-۴- نهی

گاهی شاعر با استفاده از ساختار جملات پرسشی، بر آن است تا مخاطب و گاهی خویشان را از انجام کاری یا فرارگرفتن در موقعیتی برحذر دارد، که این امر شکل دهنده به مقوله معنایی - منظوری نهی است. معمولاً لحن کلام شاعر در این مقوله معنایی، تند و گاهی سرزنش‌آمیز و پرخاشگرانه است. در غزلیات عراقی ۳۶ بار از این کارکرد جمله پرسشی استفاده شده است که ۷/۳۹٪ از مقوله‌های معنایی - منظوری بکار رفته در آن را تشکیل میدهد.

در تار حیات دل چه بندی؟  
چون بود تو محکمى ندارد  
(ص ۱۲۸، ب ۱۲۸۶)

عراقی در بیت فوق، با بکارگیری عناصر سازگاری چون «تار و پود» و «بستن و محکم» از یک سو و سودجستن از تصاویر تشبیهی «تار حیات» و «پود تو»، مجموعه‌ای از تصاویر را

فراهم آورده است که با همراهی هم، مخاطب را به سبب ناپایداری وجود همچو پودش، از دل بستن به تار زندگی دنیایی برحذر میدارد.

ز نوش لب چو مرهم می‌نداری      ز نیش غمزه جانم می چه خستی؟  
(ص ۲۰۱، ب ۲۳۲۳)

شاعر با بهره‌گیری از آرایه تضاد و کنار هم نشانیدن عناصر متضادی چون «نوش و نیش» و «مرهم و خستن»، معشوقش را که به لطف و دلجویی او امیدی ندارد، از آزرده‌دانی جاننش نهی میکند.

در برخی از ابیات و مصراعهای پرسشی، گاهی مقوله معنایی - منظوری نهی، با بیان کثرت همراه شده است:

چند خواهی کردن این جور و جفا؟      بی‌دلی از غم به جان آورده گیر  
(ص ۱۹۶، ب ۲۲۴۸)

در این بیت، شاعر علاوه بر اینکه کثرت و طولانی شدن زمان جور و جفای معشوق را به او یادآوری نموده، او را از این کار بازداشته است.

گاهی نیز مقوله نهی با مفاهیمی چون شکایت و یا ملامت، طنز و انکار و تعجب، همراه شده است:

- شکایت:

همچو غنچه چرام بند کنند؟      چونک از زر چو سوسن آزادم  
(ص ۱۷۶، ب ۱۹۵۰)

عراقی در این بیت دو تصویر تشبیهی را بکار گرفته و کوشیده است در قالب آنها ضمن بیان شکایت و نارضایتی خود از به بند کشیده شدن توسط بدخواهان، آنها را از این امر برحذر دارد: در مصراع اول خود را همچون غنچه‌ای تصویر کرده که به بند کشیده شده است که در بند بودن، بیش از هر چیز یادآور در هم تنیدگی و در هم فرورفتگی گلبرگهای غنچه است؛ اما در مصراع دوم با تشبیه خود به سوسن، تعلیلی شاعرانه برای رهایی خود ارائه داده است.



#### ۴-۵- نفی

این نقش معنایی - منظوری زمانی بکار می‌رود که متکلم بخواهد مطلبی را نفی کند در این صورت منتظر پاسخ مخاطب نمی‌ماند. تفاوت این نوع از استفهام با استفهام انکاری در آن است که جنبه تأکیدی نوع دوم قویتر است. در غزلیات عراقی، ۳۴ مورد جمله پرسشی در این مقوله معنایی - منظوری یافت شده است که حدود ۶/۹۸٪ از کل نقش‌های معنایی - منظوری را در بر می‌گیرد:

چون عشق در دل آید آنجا خرد نیاید      چون شاه رخ نماید، فرزانه‌ای چه سنجد؟  
(ص ۹۰، ب ۸۲۲)

در این بیت شاعر، با ایجاد تقابل میان «عشق و خرد» و «شاه و فرزانه» (اشاره به مهره شاه و وزیر در شطرنج که با رخ ایهام تناسب می‌سازند) بر آن است که بگوید عقل توان مقابله با عشق را ندارد همانگونه که در عرصه شطرنج، هرگاه شاه به میدان آید، عرصه بر وزیر تنگ شده، از ارزش او کاسته می‌شود.

بر خوان جهان به هرزه چه نشینم؟      چون لقمه جز اسـتخوان نمی‌یابم  
(ص ۱۱۳، ب ۱۰۹۳)

شاعر با کنار هم نشانیدن واژگانی چون «خوان، نشستن بر خوان، لقمه و استخوان»، شبکه‌ای از تصاویر تشبیهی را فراهم نموده‌است که با سودجستن از آنها، ضمن یادآوری بی‌ارزشی جهان، از مشغول شدن به آن سر باز می‌زند.

#### ۴-۶- شکایت و ملامت

گاهی کارکرد معنایی جملات پرسشی، شکایت و گله‌مندی است و آن در صورتی است که مخاطب مرتکب عملی شده که از نظر متکلم و یا عرف پسندیده نیست؛ از این روی در قالب پرسش، مراتب نارضایتی و شکایت خود را از آن مسئله مطرح می‌کند و همین ساختار پرسشی، تا حدودی از تندی و ناخوشایندی شکایت کاسته و آن را قابل‌پذیرش‌تر می‌کند. البته گاهی با در نظر گرفتن نوع رابطه شاعر با مخاطب و شان او، ممکن است معنای ملامت و سرزنش هم از آن برداشت شود. در غزلیات عراقی ۳۳ بار کارکرد شکایت و ملامت بکار رفته که ۶/۷۷٪ از کل مقوله‌های معنایی - منظوری غزلیات او را به خود اختصاص داده است:

بنوازی و پس بیازاری آخر ای دوست این چه آیینست؟  
(ص ۱۶۱، ب ۱۷۴۳)

چرا پیوستی ای جان با من اول چو آخر دست از ما می گسستی؟  
(ص ۲۰۱، ب ۲۳۲۲)

در دو بیت یاد شده، واژگان «بنوازی و بیازاری» و «پیوستی و می گسستی» تضاد و دوگانگی را بتصویر میکشند و به این ترتیب عاشق را در ذهن مخاطب، در سرزنش و شکایت از معشوق، برحق جلوه میدهند.

گاهی برخی از ابیات و مصراعهای دارای ساختار پرسشی، علاوه بر مقوله معنایی - منظوری شکایت و ملامت، معنای نهی، نفی و کثرت را نیز در خود نهفته دارند:  
- نهی:

باز بر خاکم چرا می افکنی؟ چون ز خاک افتاده‌ام برداشتی  
(ص ۱۷۷، ب ۱۹۶۴)

در این بیت نیز شاعر افزون بر آنکه معشوق را از روا داشتن خواری بر او، آن هم پس از ارج و قرب دادن به او، نهی کرده، شکایت خود را از او ابراز داشته است. در این بیت نیز بار دیگر عناصر متضاد «بر خاک افکندن» و «از خاک برداشتن»، در القای مفهوم موردنظر شاعر نقش تاثیرگذار ایفا کرده‌اند.

- کثرت:

تا چند چاشت ما همه از خوان غم بود؟ تا کی وجوه شام ز خون جگر کنیم؟  
(ص ۸۸، ب ۸۰۴)

عراقی در این بیت، با بکار بردن کلمه پرسش «تا چند؟» و «تا کی؟»، به‌مراه ترکیب تشبیهی «خوان غم» و «چاشت» و «شام»، هم کثرت و مداومت بر جفا و بی‌توجهی از سوی معشوق را به او یادآور شده و هم از او به سبب این عمل، شکوه سر داده است.

#### ۴-۷- پرسش

معمولترین کاربرد جمله پرسشی برای مطرح کردن سوال و کسب خبر است. این پرسشها که «پرسش زبانی» نامیده میشوند، بمنظور کسب آگاهی و طلب پاسخ طراحی میشوند. در

غزلیات مورد بررسی، ۳۰ جمله (۶/۱۶) با ساختار پرسشی در همان کارکرد معنایی پرسش بکار رفته است. از آن جمله است غزلی با مطلع:

از عراقی دوش پرسیدم که چونست حال تو؟!      گفت چون باشد کسی کز دوست واماند جدا؟  
(ص ۲۱۵، ب ۲۵۳۱)

رنگ جام از چه گشت گوناگون؟      از چه افتاد بر وی این همه نام؟  
(ص ۱۳۳، ب ۱۳۴۵)

کدام دشمن بدگو میان ما افتاد؟      که افتاد جدایی میان ما ای دوست  
(ص ۱۹۴، ب ۲۲۱۹)

#### ۴-۸- شگفتی و حیرت

گاهی شاعر از جمله پرسشی برای بیان تعجب و اظهار شگفتی از رویداد واقعه‌ای یا تجربه‌ای یا شنیدن خبری بهره می‌جوید؛ بدین ترتیب، ساختار پرسشی، در کارکرد معنایی - منظوری شگفتی و حیرت بکار می‌رود. از مجموع ۴۸۷ جمله پرسشی مورد بررسی در غزلیات عراقی، ۱۵ بیت (۳/۰۸) در نقش معنایی - منظوری یاد شده بکار رفته است:

عجب زین محنت و رنج فراوان      که چون می‌گنجد اندر تنگنایی؟  
(ص ۸۴، ب ۷۴۴)

در این بیت، شاعر با طرح پرسش، حیرت و شگفتی خود را از جای گرفتن این همه رنج و محنت در دل تنگ خویش اظهار می‌دارد.

تا جام لبش کدام می‌داد؟      کز جرعه او دو کون شیدا است  
(ص ۲۳۵، ب ۲۷۸۶)

در این بیت، «جام»، «جرعه» و «شیدایی» مجموعه‌ای تصویری را شکل داده‌اند که شاعر با سودجستن از آنها، حیرت و شگفتی خود را از شیفتگی دو جهان در مقابل معشوق حقیقی، ابراز داشته است.

گاهی مفهوم کثرت، با نقش معنایی - منظوری شگفتی و حیرت، همراه شده و آن را قوت بخشیده است؛ چنانکه در بیت زیر می‌بینیم:

زلف تو کمند افکند، افکند دلم در بند در سلسله‌ای جان چند؟ آخر چه عقالست این؟  
(ص ۱۵۶، ب ۱۶۷۳)

شاعر در این بیت، با ارائه تصویر تشبیهی درهم تنیده، «زلف» معشوق را ابتدا به «کمند» تشبیه کرده که دل او در بند آن گرفتار آمده‌است، سپس با دیدن دل‌های دیگری که در آن گرفتار بودند، ضمن تشبیه آن به «سلسله»، از آن همه دل که در بند آن بودند، شگفت‌زده شده و سرانجام حیرت خود را با تشبیه زلف معشوق به «عقال» بیان کرده است که کسی را یارای رهایی از آن نیست.

#### ۴-۹- تجاهل العارف

۱۳ جمله از کل جمله‌های پرسشی بکار رفته در غزلیات عراقی کارکرد معنایی - منظوری تجاهل‌العارف دارند؛ این کارکرد، نوعی مفاهیمی چون بیان شگفتی، بزرگ‌نمایی و توجیه را با خود به‌مراه دارد؛ عبارتی دیگر؛ متکلم در عین حال که پاسخ را میداند، اظهار به ندانستن کرده، باردیگر پرسش را مطرح میکند تا بدین ترتیب در انجام عملی یا داشتن صفتی بزرگ‌نمایی کرده و شگفتی خود را از آن نشان دهد یا انجام عمل و وقوع واقعه‌ای را توجیه کند. این جمله‌ها، ۲/۶۶٪ از کل کارکردهای منظوری را در اثر مورد نظر تشکیل می‌دهند:

مگر خاکم ز میخانه سرشتند؟ که هر دم سوی میخانه گرایم  
(ص ۱۰۷، ب ۱۰۲۲)

در این بیت با وجود آنکه شاعر آگاه است که خاک وجود او از خاک میخانه نیست، اما این پرسش را مطرح میکند تا بدین ترتیب گرایش خود را بسوی میخانه توجیه کرده باشد.

آب حیوان است آن لب یا شکر؟ یا سرشته آب حیوان با شکر؟  
(ص ۲۳۸، ب ۲۸۲۲)

شاعر در بیت یادشده با سودجستن همزمان از ساختار جمله پرسشی و تصاویر تشبیهی (تشبیه لب معشوق به آب حیوان و شکر)، در زندگی‌بخش بودن و شیرینی لب معشوق، اغراق نموده است.

#### ۴-۱۰- استفهام تقریری

استفهام تقریری مانند استفهام انکاری کلام را موکد میکند، اما بر خلاف آن، در استفهام تقریری فعل جمله در سوال منفی و پاسخ آن، مثبت است و هدف گوینده از مطرح کردن پرسش، آن است که مخاطب را به مضمون جمله معترف سازد. عراقی در غزلیات خود ۱۲

بار از این مقوله معنایی - منظوری استفاده کرده است که ۲/۴۶٪ از کل مقوله‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی را شامل میشود:

خرم به غم تو چون نباشم؟ چون تو به غم همیشه شادی  
(ص ۱۲۹، ب ۱۲۹۶)

شاعر در این بیت، با درکنار هم نشانیدن واژگان متضاد «غم و شادی»، و با سودجستن از ساختار پرسشی، بر لزوم شاد و خرم بودن از غم معشوق تاکید دارد.

کدام دل که ز جور تو دست بر سر نیست؟ کدام جان که نکرد از جفات خاک بر سر؟  
(ص ۱۸۱، ب ۲۰۲۸)

این بیت که بنوعی مفهوم شمول و همه‌گیری را نیز در خود دارد، بر این نکته تاکید میکند که همه دلها و جانها از جور و جفای معشوق در عذاب و درمانده هستند.

دلدار نساخت چون نسوزم؟ سوزم چو نساخت محرم راز  
(ص ۱۴۸، ب ۱۵۶۶)

شاعر در این بیت همچنانکه عناصر متضاد «سوختن و ساختن» را در مقابل هم قرار داده است، با یادآوری ناسازگاری معشوق، خود را ملزم به سوختن و تحمل جفای او میداند.

#### ۴-۱۱- کثرت

این مقوله معنایی - منظوری بیشتر برای بیان ملال و خستگی ناشی از تکرار عمل و تعدد و تکثر چیزی، طولانی شدن فراق و جفای معشوق که معمولاً با مفهوم شکوه و شکایت توأم است، بکار می‌رود. عراقی از این مقوله، ۱۱ بار (۲/۲۵٪) در غزلیات خود بهره برده است:

تا کی از هجران جانان ناله و زاری کنم؟ از حیات خود به جانم، چندازین سان زیستن؟  
(ص ۱۵۵، ب ۱۶۵۲)

در این بیت، شاعر با بکار بردن واژه‌هایی چون «تا کی؟» و «تا چند؟»، ملال و دلزدگی خود را از طولانی شدن هجران، و تکثر غم و اندوه، بیان کرده است.

بس که کشید ناز تو مرد عراقی ای دریغ! چند کشد، تو خود بگو، خسته‌دلی دلال تو؟  
(ص ۱۷۴، ب ۱۹۱۸)

در این بیت شاعر علاوه بر اینکه کثرت کشیدن ناز معشوق و در عین حال طولانی شدن آن را یادآور شده و از آن اظهار ملال و دلزدگی کرده، بنوعی اشتیاق خود را نیز برای رسیدن به معشوق بیان نموده‌است.

#### ۴-۱۲- امیدواری

از میان ۴۸۷ جمله پرسشی مطرح شده در غزلیات عراقی، ۹ جمله برای بیان امیدواری بکار رفته‌اند که ۱/۸۴٪ از کل حجم پرسشهای این اثر را تشکیل می‌دهند:

در من نگرَد یار دگر بار، که داند؟      زین پس دهم بر در خود بار، که داند؟  
از یاد خودم کرد فراموش به یکبار      یاد آورد از من دگر آن یار، که داند؟  
(ص ۱۲۷، ۶۶ب، ۱۲۶۵)

به نقد این لحظه جانی می‌کن ای دل      شب هجر است تا فردا چه زاید؟  
(ص ۱۳۲، ۱۳۲۸)

شاعر با اینکه شب هجران را سپری میکند، اما همچنان به آینده امیدوار است و سختیهای راه را به امید رسیدن به معشوق بجان می‌خرد.

#### ۴-۱۳- تقاضا

گاهی گوینده جمله‌ای پرسشی را بکار می‌برد تا در قالب آن، تقاضا و خواهش خود را از مخاطب که معمولاً از نظر مقام و موقعیت از او بالاتر است، بیان کند. این نقش معنایی - منظوری اغلب برای درخواست شراب یا صله یا کسب خبر از معشوق، مطرح می‌شده‌است؛ از کل جمله‌های پرسشی غزلیات عراقی، ۹ مورد (۱/۸۴٪) از آنها در این نقش منظوری بکار رفته‌اند:

جرعه‌ای کان ز خاک نیست دریغ      بر چو من خاکی‌ای چراست حرام؟  
(ص ۱۳۳، ۱۳۵۲)

ساقی ار جام می دمادم نیست      از خم درد دردی‌ای هم نیست؟  
(ص ۹۹، ۹۳۸)

چه شود گر کنی درین مجلس      ناقصی را به نیم جرعه تمام؟  
(ص ۱۳۴، ۱۳۵۴)

من که در خمکده کم از خاکم جرعه‌ای هم مرا مسلم نیست؟  
(ص ۹۹، ب ۹۳۹)

چنانچه در ابیات نمونه مشاهده میشود، متکلم در قالب جمله پرسشی، از ساقی تقاضای شراب میکند.

#### ۴-۱۴- امر

گاهی متکلم بمنظور دعوت مخاطب به انجام کاری و برای آنکه کلام او در عین تاثیرگذار بودن، جنبه تحکم‌آمیز پیدا نکند از جمله پرسشی با کارکرد معنایی - منظوری امر بهره میگیرد؛ در غزلیات عراقی ۸ بار (۱/۶۴٪) از این مقوله استفاده شده است:

ور بی‌خبری ز دین عراقی ز ناز به جای طیلسان کو؟  
(ص ۹۹، ب ۹۳۷)

شاعر در این بیت با برقراری تناسب میان «بی‌خبری از دین و زنا بستن» و تقابل میان «زنا و طیلسان» خود را مورد خطاب قرار داده، امر میکند برای اثبات بی‌دینی خود زنا ببندد.

اسباب طرب همه مهیاست ای زاهد خشک، جان فشان کو؟  
(ص ۹۹، ب ۹۳۴)

عراقی در بیت یادشده، ضمن آنکه رسم نثار کردن در مجالس شادی و طرب را بتصویر کشیده است، از زاهد می‌خواهد برای آنکه درجه خلوص خود را در زهد و بی‌تعلقی نشان دهد، از جان خود نیز دست بکشد.

#### ۴-۱۵- یاس و ناامیدی

گاهی گوینده، پرسشی را مطرح میکند تا ناامیدی خود را از بوقوع پیوستن امری یا انجام کاری و یا ایجاد تغییر در اوضاع، اظهار کند. در غزلیات عراقی، ۶ جمله پرسشی (۱/۲۳٪) با نقش معنایی - منظوری یاس و ناامیدی بکار رفته است:

از پی صید دل چه دام نهم؟ که شکارم ز دست می‌برود  
(ص ۱۳۶، ب ۱۳۹۱)

شاعر در این بیت با بکارگیری عناصر سازگاری چون «صید، دام و شکار»، در ساختار جمله پرسشی، شبکه‌ای تصویری، فراهم نموده‌است تا بدین وسیله هم شکست خود را در عشق‌های پیشین یادآوری نماید، هم ناامیدی خود را از بدست آوردن دلی دیگر بیان کند.

دل که سودای تومی‌پخت، آرزویش خام ماند  
کو تنور آرزو تا جان در او بندم فطیر؟  
(ص ۱۶۳، ب ۱۷۷۷)

در این بیت واژگان «پختن»، «خام ماندن»، «تنور» و «فطیر بستن» مجموعه‌ای از تصاویر تشبیهی را فراهم آورده‌اند تا عراقی با بهره جستن از آنها بتواند ناامیدی خود را از عشق معشوق، بتصویر بکشد.

#### ۴-۱۶- اغراق

در این مقوله معنایی - منظوری، ویژگی یا امر موردنظر گوینده، در عالم واقع وجود ندارد، بلکه او به سبب علاقه‌ای که نسبت به یک موضوع دارد، در آن بزرگ‌نمایی و اغراق میکند. عراقی این مقوله معنایی را ۲ بار (۰/۴۱٪) در غزلیات خود بکار برده است:

گل کز رخ تو رنگ نـاورد  
رنگ رخس آخر از چه زیباست؟  
ور نه به جمال تو نظر کرد  
چشم خوش نرگتس از چه رعناست؟  
(ص ۷۷، ب ۶۶۶، ۶۶۵)

شاعر به سبب علاقه‌ای که به چهره و چشمان معشوق دارد، این‌گونه وانمود میکند که «گل» رنگ خود را از رخ معشوق او و «نرگس» رعنائی خود را از زیبایی سیمای او وام گرفته است. در حالی که میدانند در عالم واقع چنین امری ممکن نیست.

#### ۴-۱۷- تعظیم

گاهی عظمت و بزرگی پدیده‌ای توجه شاعر را به خود جلب میکند؛ در این هنگام او با استفاده از جمله پرسشی ناتوانی خود را از بیان و وصف آن عظمت نشان میدهد. این ساختار معنایی - منظوری ۲ بار در غزلیات عراقی بکار رفته است که ۰/۴۱٪ از حجم کل جملات پرسشی بکار رفته در این غزلیات را تشکیل میدهد:

تا چشم بتم چه فتنه انگیخت؟  
کز هر طرفی خـروش برخاست  
از میکده تا چه شور برخاست؟  
کاندر همه شهر شور و غوغاست  
(ص ۷۶، ب ۶۴۹، ۶۴۸)



شاعر با بکارگیری کلمه پرسش «چه؟» در ساختار جمله پرسشی، عظمت و بزرگی فتنه چشم معشوق و شور برخاسته از میکرده را به مخاطب یادآور شده است.

#### ۴- ۱۸- طنز

از میان ۴۷۸ جمله پرسشی بکار رفته در غزلیات عراقی، ۲ مورد (۰/۴۱٪) بر مقوله معنایی - منظوری طنز دلالت دارند:

من چو از سودای خوبان سوختم      پس عراقی از چه خام افتاد باز؟  
(ص ۱۱۷، ب ۱۱۴۵)

کاشکی دانستمی باری که تو      هیچ با من یک نفس خوش بوده‌ای؟  
(ص ۲۰۷، ب ۲۴۱۵)

#### ۴- ۱۹- منافات و استبعاد

گاهی نیز جمله پرسشی بمنظور بیان فاصله و تفاوت میان دو موضوع و دو پدیده مطرح میشود. این کارکرد ۲ بار (۰/۴۱٪) در غزلیات عراقی آمده است:

بیا که خانه دل پاک کردم از خاشاک      درین خرابه تو خود کی نهی قدم؟ حاشاک  
(ص ۲۴۳، ب ۲۸۸۴)

شاعر در این بیت، با مقابل هم قرار دادن «خانه دل» که آن را به «خرابه» ای تشبیه کرده و «قدم نهادن» معشوق در آن، ضمن بیان اشتیاق خود بر وقوع این امر، بر بعید بودن آن، تاکید نموده است.

ناگشته دمی ز خویش فانی      خواهی که شوی به دوست باقی؟  
(ص ۱۱۹، ب ۱۱۶۸)

عراقی در بیت یادشده، با برقراری تقابل میان «خویش و دوست» از یک سو و «فانی و باقی» از سوی دیگر، شرط باقی شدن به دوست را فانی شدن از خویش معرفی کرده و به سبب محقق نشدن این شرط، بقا را برای مخاطب، بعید دانسته است.

#### ۴- ۲۰- تاکید و تقریر خبر

گاهی هدف شاعر از مطرح کردن پرسش، تاکید بر خبر و پیام موردنظر و بگونه‌ای جلب توجه مخاطب است. عراقی از این مقوله معنایی فقط یکبار (۰/۲۰٪) در غزلیات خود بهره برده است:

دلی دارم، چه دل؟ محنت‌سراییی که در وی خوشدلی را نیست جاییی  
(ص ۱۸۴، ب ۲۰۷۰)

شاعر در این بیت، پرسشی را مطرح کرده و بلافاصله پاسخ آن را نیز بیان نموده است تا بدین ترتیب بر محتوای پیام تاکید کرده باشد.

در جدول زیر نقشهای معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات عراقی، بترتیب بسامد آنها، آورده شده است:

ردیف	مقوله معنایی - منظوری	تعداد ابیات پرسشی	درصد
۱	استفهام انکاری	۱۱۷	۲۴/۰۲
۲	تمنی و آرزو	۹۹	۲۰/۳۲
۳	عجز و ناتوانی	۴۶	۹/۴۴
۴	نهی	۳۶	۷/۳۹
۵	نفی	۳۴	۶/۹۸
۶	شکایت و ملامت	۳۳	۶/۷۷
۷	پرسش	۳۰	۶/۱۶
۸	شگفتی و حیرت	۱۵	۳/۰۸
۹	تجاهل مفید اغراق	۱۳	۲/۶۶
۱۰	استفهام تقریری	۱۲	۲/۴۶
۱۱	بیان کثرت	۱۱	۲/۲۵
۱۲	امیدواری	۹	۱/۸۴

۱/۸۴	۹	تقاضا و درخواست	۱۳
۱/۶۴	۸	امر	۱۴
۱/۲۳	۶	یاس و ناامیدی	۱۵
۰/۴۱	۲	اغراق	۱۶
۰/۴۱	۲	تعظیم	۱۷
۰/۴۱	۲	طنز	۱۸
۰/۴۱	۲	منافات	۱۹
۰/۲۰	۱	تاکید و تقریر خبر	۲۰

##### ۵- نتیجه گیری

این پژوهش که بر پایه بررسی ۲۲۰ غزل از غزلیات فخرالدین عراقی بنا شده است، نشانگر استفاده گسترده او از مقوله‌های معنایی - منظوری با بهره‌گیری از ساختار پرسش است. ۶۶ غزل از مجموع ۲۲۰ غزل مورد بررسی، فاقد جمله پرسشی هستند و در ۱۷۴ غزل باقی مانده، ۴۸۷ جمله پرسشی یافت شده که حجم قابل توجهی است. نویسنده با توجه به کارکرد معنایی - منظوری ۲۸ گانه‌ای که شمیسا برای جمله‌های پرسشی در نظر گرفته، به بررسی ۲۲۰ غزل از غزلیات عراقی از این منظر پرداخته‌است. عراقی از مجموع این ۲۸ کارکرد ثانوی، ۲۰ مورد از آن را در اشعار خود بکار برده است. از میان کاربردهای گوناگون مقوله دستوری پرسش، بیشترین کاربرد بترتیب به «استفهام انکاری» (۰/۲۴/۰۲)، «تمنی و آرزو» (۰/۲۰/۳۲)، «عجز و ناتوانی» (۰/۹/۴۴)، «نهی» (۰/۷/۳۹) و «نفی» (۰/۶/۹۸) مربوط میشود که این کارکردها با بافت و ساختار اشعار تغزلی هماهنگ و منطبق است؛ ساختاری که در آن متکلم با انکار خود و خواسته‌هایش، و در عین اقرار به ضعف و ناتوانی خود، تنها شوق وصال معشوق را در سر میپروراند و از سوی دیگر معشوق را از انجام اعمال و بیان سخنانی که موجب آزار او میشود برحذر میدارد. کمترین بسامد نیز به مقوله‌های معنایی - منظوری «تاکید و تقریر خبر»، «منافات و استعباد»، «طنز»، «تعظیم»، «اغراق»، «یاس و ناامیدی»



### منابع و ماخذ

- ۱- از زبان‌شناسی به ادبیات، صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، تهران: سوره.
- ۲- بیان و معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، تهران: فردوس.
- ۳- زیبایی‌شناسی سخن پارسی، کزازی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، تهران: علامه طباطبایی.
- ۴- کاربردشناسی زبان، یول، جرج (۱۳۸۳)، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر، تهران: سمت.
- ۵- کلیات، عراقی، فخرالدین (۱۳۸۶)، تصحیح و توضیح نسرین محتشم (خزاعی)، تهران: زوار.
- ۶- معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، تهران: میترا.
- ۷- منظورشناسی اشعار پرسشی بوستان سعدی. پایان‌نامه، حمیدرضا، اکبری (۱۳۸۳)، دانشگاه شیراز.
- ۸- منظورشناسی جمله‌های پرسشی در غزلیات سعدی، علی‌اکبر باقری خلیلی، مریم محمودی نوسر، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، بهار ۱۳۹۲، ش ۱۹، صص ۴۳-۵۷.
- ۹- نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در اشعار مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری و نظرگاه‌های بلاغی در شعر فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، عباس، بتولی آرانی (۱۳۸۰) دانشگاه شیراز.
- ۱۰- نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در قصاید خاقانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، فرشته، امیری (۱۳۸۹)، دانشگاه کردستان.

۱۱- Dictionary of Language teaching and applied Linguistics, Richards, J. et al (1992), Longman UK.

۱۲- Principles of Pragmatics, Leech, Geoffrey (1983), London, Longman.